



استناد به این مقاله: مسگری، منیژه؛ حسن آبادی، حسین؛ نجات، حمید (۱۳۹۳). اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر سبک‌های هویت دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه شهرستان مشهد. پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره، ۴(۱)، ۱۵۴-۱۳۵

## اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر سبک‌های هویت دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه شهرستان مشهد

منیژه مسگری<sup>۱</sup>، حسین حسن آبادی<sup>۲</sup>، حمید نجات<sup>۳</sup>

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۱۴

### چکیده

پژوهش حاضر جهت بررسی تأثیر مشاوره‌ی گروهی مبتنی بر واقعیت درمانی بر سبک‌های هویت (اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم، تعهد) دانش‌آموزان دختر دوره‌ی متوسطه‌ی ناحیه تبادکان مشهد انجام شده است. ۱۴ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه ناحیه تبادکان مشهد به همراه مادرانشان به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. بعد از اجرای پیش‌آزمون بر روی همه دانش‌آموزان، گروه مداخله با رویکرد واقعیت درمانی تحت مشاوره قرار گرفت و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکرد. در پایان بر روی هر دو گروه پس‌آزمون اجرا گردید. داده‌های حاصل که با استفاده از کوواریانس چند متغیری تحلیل گردید نشان داد که در مقایسه دو گروه واقعیت درمانی و کنترل در سبک‌های اطلاعاتی ( $p = 0/03$ ) و مقیاس تعهد ( $p = 0/009$ ) تفاوت معناداری باشد؛ اما در سبک هنجاری ( $p = 0/25$ ) و سبک اجتنابی ( $p = 0/15$ ) تفاوت معنادار نیست. یافته‌ها حاکی از آن است که روش مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی در افزایش سبک‌های هویت نوجوانان دختر مؤثر است.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های هویت اطلاعاتی، هنجاری، سردرگم و تعهد، واقعیت درمانی گروهی

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد مشاوره خانواده

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Hassan-a@um.ac.ir

<sup>۳</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان

## مقدمه

کلمه "هویت"<sup>۱</sup> در فرهنگ فارسی معین به‌عنوان، ذات باری‌تعالی؛ هستی و وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد تعریف شده است؛ اما در فرهنگ فارسی امروز کلمه هویت ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز و شناسایی کسی یا چیزی از دیگران شود تعریف شده است (Sharafi, 2000)

Jenkins (2002) بیان می‌کند که واژه هویت ریشه در زبان لاتین دارد و به دو معنای تشابه و تمایز به کار می‌رود. تشابهات، یعنی این که مردم مانند ما هستند و تفاوت‌ها به این معنی که دیگران مانند ما نیستند. به نظر Erikson (1968) موجود انسانی از نخستین روز پیدایش در عرصه زندگی تا واپسین روزهای زندگی تلاش بر این دارد که پایگاه و نقش خویش را در عرصه‌های پریچ‌وتاب اجتماعی ترسیم کند و بدین واسطه وجود و هستی خویش را معنا ببخشد (Berk, 2005)؛ بنابراین پاسخ به پرسش «من کیستم؟» در حقیقت، همان «هویت» یا «خود» ماست. اگر توانستیم جایگاه خویش را در جهان هستی مشخص کنیم و به این پرسش‌ها که «از کجا آمده‌ایم و چه کاری باید بکنیم و سرانجاممان چیست؟» پاسخ صحیح دهیم، هویت ما شکل می‌گیرد و هر چه پاسخ ناقص باشد، هویت ما نیز به همان میزان، دچار نقص است. شکل‌گیری هویت فرآیندی خود مختارانه و به تشخیص خود فرد از استحکام بخشیدن و یکپارچه کردن مجموعه‌ای از ایده‌آل‌ها و اهداف منحصر به فرد و ترکیب نقش‌های بی‌شمار فرد در زندگی است. دستیابی به هویت پایدار و ثابت، نه تنها باعث ایجاد احساس شخصی و یکپارچه می‌گردد بلکه امکان پیشرفت در آینده و تعادل و سازگاری در زندگی را نیز فراهم می‌آورد (Schwartz, 2001).

Berzonsky (1993, 2003) در چارچوب روی آورد «شناختی-اجتماعی» مفهوم هویت را به‌عنوان یک «نظریه خود» مطرح کرده است. از نظر او نظریه‌های خود، چارچوب ارجاعی برای پردازش و تفسیر اطلاعات مربوط به خود است که فرد در طول زندگی با آن‌ها روبرو می‌شود. Luyckx و همکاران (2006) طی مطالعه خود مدلی چهاربعدی را برای شکل‌گیری هویت ارائه کردند. ابعاد این مدل عبارت‌اند از «ساخت تعهد»، «هماندسازی با تعهد»، «جستجو در عمق» و «جستجو در گستره». ساخت تعهد، انتخاب از بین گزینه‌ها، همانندسازی با تعهد، میزان همانندسازی با آن انتخاب‌ها، جستجو در عمق، گردآوری اطلاعات درباره انتخاب‌های انجام شده و جستجو در گستره، گردآوری اطلاعات درباره گزینه‌های مختلف برای شکل‌گیری تعهد است. در تحقیقات بعدی Luyckx و همکاران (2008) این مدل را گسترش داده و بعد پنجمی را با عنوان «جستجوگری با تأمل» (یا ناسازگارانه) به آن افزودند. این امر برای تبیین یافته‌هایی

<sup>۱</sup>-Identity

صورت گرفت که حاکی از ارتباط جستجوگری با «گشودگی» و کنجکاوی و همچنین اضطراب و افسردگی بود. Berzonsky و Niemeyer (1994) معتقدند که «تعهد هویت» می‌تواند نقش میانجی را در میان سبک‌های هویت و بسیاری از پیامدهای رفتاری ایفاء کند. در همین ارتباط Farsinejad (2004) در بررسی رابطه سبک هویت و تعهد هویت، با سلامت اجتماعی و خود کارآمدی تحصیلی، نشان داد که سبک هویت اطلاعاتی و تعهد هویت به‌طور مستقیم و سبک هویت مغشوش - اجتنابی به‌طور غیرمستقیم (به‌واسطه تعهد هویت) قادر به پیش‌بینی خود کارآمدی تحصیلی و سلامت اجتماعی است.

در یک طبقه‌بندی چهار نوع هویت برای نوجوانان مشخص شده تا وضعیت رشد هویت آنان را در زمینه‌های بینش سیاسی، جهت‌گیری‌های جنسیتی و یک مجموعه از ارزش‌های سیاسی مشخص کند. این چهار نوع هویت عبارت‌اند از: پراکندگی هویت، تسلیم طلبی، تأخیر و پیشرفت هویت (Lotfabadi, 2002). Waterman (1982) الگوی تحول در منزلت‌های مختلف مارسیا را بررسی کرد و نتیجه گرفت الگوهای متوالی تحول منطبق با الگوی منزلت‌های هویت، تنها مدل توصیفی را ارائه می‌دهد و نمی‌تواند به‌عنوان نظریه تحول فردی پذیرفته شود. روزگار نوجوانی و جوانی دوران شکل‌گیری هویت آدمی است که نیازها و پرسش‌های اساسی در زندگی رخ می‌نماید و امروزه با رشد و گسترش علم و صنعت و فناوری و توسعه ارتباطات بین‌المللی و بروز اندیشه و تفکر اومانستی و انسان‌محور و تبلیغ آن میان جوامع بشری، خطر بحران هویت جوانان به مشکلی جهانی تبدیل شده است (Yoosefian, 2005). در نوشته‌های اولیه و ابتدایی اریکسون، رشد هویت در طول دوران نوجوانی به‌عنوان فرآیندی از تعاملات و واکنش‌های فرد با محیط توصیف شده است (Farzanehkho et al, 2009). مطابق با دیدگاه Erikson (1968) موضوع هویت‌یابی مهم‌ترین دغدغه دوران نوجوانی بوده و این پدیده کلیت زندگی آدمی را در همه عرصه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به نظر اریکسون شکل‌گیری هویت ترکیب مهارت‌ها، جهان‌بینی و همانندسازی‌های دوران کودکی است که به‌صورت کل یکپارچه و منحصر به فرد درمی‌آید (Kroger, 2000). نوجوانی مرحله انتقال از کودکی به بزرگسالی است که با تغییرات سریع فیزیکی و رشد تفکر انتزاعی شروع می‌شود و از اوایل دهه دوم زندگی انسان آغاز می‌شود و مدتی طول می‌کشد. این مرحله از زندگی مستلزم جدایی و استقلال بیشتر نوجوان از والدین است (Harris, 2006). به نظر Ferud (1890) نوجوانی مرحله‌ای جنسی است که سائق‌های غریزی بیدار شده و نواحی جنسی تغییر می‌کنند. تکانه‌های جنسی موجب برهم خوردن تعادل بین نهاد، من و فرامن می‌شوند و احتمال بروز رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی را افزایش می‌دهند

(Berger, 1993 به نقل از Ghandehari, 2012). نوجوان در جریان همانندسازی با شخصیت‌های مختلف به تدریج می‌تواند بین هویت کودکی و هویت جدید خود پیوند برقرار کند؛ بنابراین بر اساس جاذبه‌ای که دیگران برای نوجوان دارند شبیه به آنان می‌شود، گرچه شاید از این امر خود نیز آگاهی نداشته باشد. پس هویت هر فرد تا حدودی ترکیبی از همانندسازی‌های نسبی و گوناگون است. علاوه بر این فرد از طریق دستاوردها و فضائل خود نیز به نوعی حس هویت دست می‌یابد (Crim, 1967). اگر نوجوان نتواند به درستی این بحران را پشت سر بگذارد از داشتن یک پایگاه هویتی نیرومند و مؤثر برای زندگی در بزرگسالی محروم خواهد شد. چنین شخصی دچار سردرگمی هویت یا آشفتگی نقش می‌شود که این حالت خود را به صورت اختلالات رفتاری، بزه کاری، افسردگی و غیره نشان می‌دهد. Glasser (2011) معتقد است که بروز رفتارهای مخرب و شکل‌گیری اختلالات روانی وابسته به چگونگی شکل‌گیری هویت است. از نظر او نوجوانانی که جریان رشد آن‌ها به هویت شکست منجر شود دچار مشکلات روان‌شناختی از قبیل اضطراب، افسردگی و رفتارهای ضداجتماعی خواهند شد. درحالی‌که نوجوانان دارای هویت توفیق می‌توانند به عنوان افرادی مفید برای خود و اجتماع نقش ایفا کنند. Armsden & Greenberg (1987) از بررسی‌های متعدد خود نتیجه گرفتند که کیفیت دل‌بستگی نوجوان به والدین و همسالان با سلامت روانی نوجوان، شکل‌گیری هویت، کنار آمدن با بحران‌های مختلف و رضایت از زندگی او ارتباط معنی‌دار دارد. Kennwdy (1999) و Reich & Siegel (2002) در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که رشد هویت در سطح بالا با امنیت دل‌بستگی ارتباط دارد. اشخاص دارای سبک دل‌بستگی ایمن نسبت به اشخاص دارای سبک‌های دل‌بستگی نایمن (اجتنابی، مضطرب، دوسوگرا و بی‌سازمان، بی‌هدف) به احتمال کمتر سبک اسنادی افسرده ساز دارند و به احتمال بیشتر پایگاه هویت موفق دارند و خانواده‌هایشان را در بیان‌گرمی، به هم‌پیوستگی، جهت‌گیری تفریحی-فعال و جهت‌گیری هوشی-فرهنگی در سطح بالاتری درجه‌بندی می‌کنند. محققان دیگر (Frank et al, 1990) مشاهده کرده‌اند که «دل‌بستگی ایمن» به والدین رشد هویت را پیش‌بینی می‌کند و «دل‌بستگی نایمن» به والدین و عدم اعتماد به آن‌ها پیش‌بینی کننده هویت سردرگم و آشفته هست.

در میان اعضای خانواده، مادر نخستین شخصیتی است که با کودک نه تنها در دوران جنینی، بلکه در این جهان رابطه مستقیم و تنگاتنگ دارد. از میان عوامل متعدد روابط انسانی مؤثر در رشد و تکامل کودک، شخصیت مادر و نحوه تعامل او با کودک اهمیت اساسی دارد (Taghizadeh, 2006). گرچه رابطه نامطلوب میان والدین و فرزندان، به گونه کلی تأثیرات منفی در پی دارد، اما تأثیرات منفی رابطه

نامطلوب با مادر بیش از تأثیرات منفی ناشی از وجود این‌گونه روابط با پدر است؛ زیرا کودکان زمان بیشتری را با مادر می‌گذرانند و در نتیجه تأثیر بیشتری از وی می‌پذیرند. همچنین می‌توان گفت رفتار اجتماعی کودکان بیشتر متأثر از رفتاری است که از مادر خود مشاهده کرده‌اند ( Ahadi, banijamali, 2006). وجود درک متقابل بین مادر و دختر برای مثال می‌تواند هویت‌یابی جنسیتی نوجوان را تسهیل نماید (Moradi & sanai, 2006).

بنابراین استحکام خانواده؛ که آن را می‌توان گروهی کوچکی دانست متشکل از افرادی که از طریق پیوند خونی با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند و مهر و علاقه آن‌ها را به هم پیوند داده (Navabinejad, 2004) در رشد فرزندان تأثیرگذار است. بر اساس نظریه سبک‌های دل‌بستگی، ناتوانی کودک در برقراری پیوند دل‌بستگی استوار با یک یا چند تن از اعضای مهم خانواده در سال‌های اولیه زندگی با ناتوانی او در برقرار کردن روابط فردی نزدیک در بزرگسالی ارتباط دارد ( Aboohamzeh & Khooshabi, 2005).

واقعیت‌درمانی یکی از جدیدترین تلاش‌های درمانگران در راه توصیف انسان، تعیین قوانین رفتاری و چگونگی نیل به رضایت، خوشبختی و موفقیت محسوب می‌شود. Corey (1990) رویکرد واقعیت‌درمانی را این‌طور خلاصه می‌کند: یک درمان‌فعال، کاربردی، آموزشی، شناختی و رفتار -محورانه. اغلب از روش عقد قرارداد استفاده می‌شود و هنگامی که قرارداد انجام شد، درمان خاتمه می‌یابد. این رویکرد می‌تواند هم حمایتی و هم مواجهه‌ای باشد. از سؤالات چه و چطور ولی نه از سؤالات چرا استفاده می‌کند. واقعیت‌درمانی بر رفتارهای فعلی و زمان حال فرد تأکید دارد و وقایع گذشته تا آنجا برای درمانگر یا مشاور مهم است که بر رفتارهای فعلی فرد تأثیر گذاشته باشد. نظریه واقعیت‌درمانی بر چگونگی شکل‌گیری و تغییر هویت مبتنی است. منظور از هویت، شیوه نگریستن به خود به‌عنوان یک انسان و در رابطه با دیگران است ( Saatchi, 2000).

در واقعیت‌درمانی هویت را که از لحظه تولد تا مرگ ادامه می‌یابد به دو نوع "هویت توفیق" و "هویت شکست" تقسیم می‌کنند. (Shafiabadi, 2001 Naseri). Glasser (2008) معتقد است که رفتار کلی از چهار مؤلفه‌ی جدانشدنی فکر، عمل، احساس و فیزیولوژی تشکیل شده است و با تغییر فکر و عمل ما، احساس و فیزیولوژی نیز تغییر خواهد کرد. Glasser (1998) عقیده دارد که همه‌ی انسان‌ها با پنج نیاز

<sup>۱</sup> - success Identity

<sup>۲</sup> -failure Identity

ژنتیکی متولد می‌شوند و تمامی رفتارهای ما در جهت تأمین این نیازهاست که عبارت‌اند از: نیاز به عشق و تعلق، آزادی، قدرت، تفریح و نیاز به بقا. هدف اساسی واقعیت‌درمانی این است ضمن آگاهی از نیازهای اساسی خود و اطرافیانشان و با توجه به مفهوم رفتار کلی تلاش کنند تا انتخاب‌های مناسب‌تری داشته باشند. (Brown, Stuart, 2005 به نقل از Hosseini Ghaffari, 2007). اهداف اصلی واقعیت‌درمانی رشد مسئولیت‌پذیری و ایجاد هویتی موفق در فرد است. از ویژگی‌های شخص مسئول آن است که خودمختار یا خود پیرو می‌باشد (Saatchi, 2000). معنی مسئولانه عمل کردن آن است که شخص نیازهای خود را ارضا کند و این اقدام را به شیوه‌ای انجام دهد که دیگران را از توانایی برای ارضای نیازهایشان محروم نسازد. (Glasser, 1965 به نقل از Shafiabadi, Naseri, 2001). افراد با این دیدگاه، باور دارند که بر هر یک از چهار جزء رفتار خود، کنترل دارند. (Farahbakhsh et al, 2008). یکی از مفاهیم بنیادی واقعیت‌درمانی، کنترل بیرونی است. منظور از روانشناسی کنترل بیرونی این است که همسران در روابطشان سعی در کنترل طرف مقابل دارند.

در این شیوه درمان، مواجه‌شدن با واقعیت، قبول مسئولیت و قضاوت اخلاقی درباره درست و نادرست بودن رفتار و در نتیجه نیل به هویت توفیق‌مورد تأکید است. در فرایند درمان به مراجع کمک می‌شود تا میزان نزدیک بودن خواسته‌های خود را با واقعیت ارزشیابی کند، رفتارهایی را که به بهبود زندگی منجر نمی‌شوند شناسایی و با کمک گروه شیوه‌های مناسبی برای ایجاد تغییر در آنها اتخاذ کند (Glasser, 1996). این نوع درمان را فقط در مورد اکثر رفتارهای غیرعادی به کار نمی‌برند، بلکه در مورد تمام افراد عادی و مسائل موردعلاقه آنها و تدوین شیوه صحیح تعلیم و تربیت نیز از آن استفاده می‌کنند. واقعیت‌درمانی امروزی سریعاً روی روابط ناخوشایند یا فقدان رابطه تمرکز می‌کند که معمولاً علت مشکلات درمان‌جویان است. هدف اصلی واقعیت‌درمانی امروزی این است که به درمان‌جویان کمک کند علاوه بر ارضا کردن نیاز به محبت و تعلق‌پذیری، راه‌های بهتر ارضا کردن تمام نیازهای خود از جمله نیاز به قدرت یا پیشرفت، آزادی یا استقلال و تفریح را یاد بگیرند (Glasser, 2011). هدف‌های واقعیت‌درمانی در فرآیندی مبتنی بر درگیری عاطفی، توجه و تأکید بر زمان حال و رفتار کنونی، توسل به قضاوت ارزشی مراجع، طرح‌ریزی معقول و تعهد نسبت به آن، نپذیرفتن عذر و بهانه و امتناع از تنبیه حاصل می‌شود. بر همین اساس در پژوهش حاضر به منظور آزمودن فرضیه‌های زیر، کاربرد درمان گروهی واقعیت‌درمانی بر هویت‌یابی نوجوانان دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفته است:

- واقعیت‌درمانی گروهی باعث بهبود معنادار سبک هویت‌اطلاعاتی دختران دبیرستانی می‌شود.

- واقعیت‌درمانی گروهی باعث بهبود معنادار سبک هویت‌هنجاری دختران دبیرستانی می‌شود.
- واقعیت‌درمانی گروهی باعث بهبود معنادار سبک هویت‌اجتنابی دختران دبیرستانی می‌شود.
- واقعیت‌درمانی گروهی باعث بهبود معنادار مقیاس هویت‌تعهد دختران دبیرستانی می‌شود.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر جزء دسته پژوهش‌های کاربردی از نوع نیمه‌آزمایشی است. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله استفاده شد. به این ترتیب که ابتدا از بین دبیرستان‌های دخترانه تبادکان، یک دبیرستان به شیوه تصادفی انتخاب شد و در مرحله بعد از بین دانش‌آموزان دو نوبت، نوبت صبح انتخاب گردید و سپس از بین تمام پایه‌ها، از پایه سوم تعداد ۱۴ دانش‌آموز انتخاب شدند تا به همراه مادرانشان در این پژوهش شرکت کنند. بعد از اجرای پیش‌آزمون گروه آزمایشی به مدت ۹ جلسه با رویکرد واقعیت‌درمانی تحت آموزش قرار گرفتند و گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند. در پایان بر روی هر دو گروه پس‌آزمون اجرا گردید.

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دخترانه‌ی ناحیه تبادکان شهر مشهد است که سن آن‌ها بین ۱۶ تا ۱۸ سال در نظر گرفته شده است و در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ به تحصیل مشغول بودند. با توجه به تحقیقات قبلی و تأثیرگذاری متغیرهای جنسیت، سن و میزان تحصیلات بر هویت، کوشش شد تا کل نمونه، دختران دبیرستانی و دریک پایه‌ی تحصیلی باشند. حجم نمونه در این تحقیق ۲۸ نفر است که به صورت داوطلبانه از یکی از دبیرستان‌های ناحیه‌ی تبادکان انتخاب شدند و به صورت تصادفی در دو گروه قرار گرفتند به طوری که در هر گروه ۱۴ نفر قرار گرفتند.

### ابزارهای پژوهش

سیاهه سبک‌های هویت برزونسکی<sup>۱</sup> (ISI\_G6): این پرسش‌نامه اولین بار توسط Berzonsky (1989) در آمریکا برای اندازه‌گیری فرایندهای شناختی - اجتماعی که نوجوانان و جوانان در برخورد با مسائل مربوط به هویت از آن استفاده می‌کنند، طراحی شد. این پرسش‌نامه سه سبک هویتی شامل اطلاعاتی، هنجاری و سردرگم - اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد (Gharaei et al, 2003). این ابزار خود گزارشی شامل ۴۰ عبارت است که ۱۱ سؤال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به مقیاس

<sup>۱</sup> - Berzonsky Identity Styles Inventoy

هنجاری، ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس سردرگمی - اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود (Shokri et al, 2007). پاسخ هر سؤال بر روی یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای مشخص می‌شود که شامل (کاملاً مخالف=۱، مخالف=۲، مطمئن نیستم=۳ تا حدودی موافق=۴ و کاملاً موافق=۵) می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره در سبک اطلاعاتی به ترتیب ۱۱ و ۵۵، سبک هنجاری ۹ و ۴۵ و در سبک سردرگم - اجتنابی ۱۰ و ۵۰ می‌باشد. این پرسشنامه از اعتبار و روایی خوبی برخوردار است. Ghazanfari (2004) پژوهشی باهدف اعتبار و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت انجام داده است و ضرایب پایایی را برای سبک هویت اطلاعاتی=۰/۶۷، سبک هویت هنجاری=۰/۵۲ و سبک هویت سردرگم - اجتنابی=۰/۶۲ و مقیاس تعهد ۵۷/۵ گزارش کرده است. Berzonsky (2000) پایایی درونی مقیاس اطلاعاتی را ۰/۷۱، مقیاس هنجاری را ۰/۶۵، مقیاس سردرگم - اجتنابی را ۰/۷۵ گزارش کرده است. Aghajani (2002) نیز ضریب آلفا را برای سبک داده‌ای ۰/۷۳، برای سبک هنجاری ۰/۷۰ و برای سبک سردرگم ۰/۶۹ گزارش کرده است. Hejazi (2009) ضریب پایایی را برای سبک اطلاعاتی ۰/۶۵، سبک هنجاری ۰/۶۰، سبک اجتنابی ۰/۶۳ و تعهد هویت ۰/۷۰ گزارش کردند. این نتایج نشان می‌دهد که این پرسشنامه از ضرایب پایایی و همسانی درونی مناسبی برخوردار است.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی جداول مربوط به یافته‌ها تنظیم و گزارش شده‌اند. در جهت کنترل و حذف اثر تفاوت‌های گروه‌ها در پیش‌آزمون از تحلیل کوواریانس چندمتغیری برای مقایسه میانگین‌های دو گروه استفاده شد.

### یافته‌ها

از حیث وضعیت جمعیت شناختی، نمونه‌ی پژوهش با توجه به انتخاب آزمودنی‌ها از یک جنس و همتا می‌باشند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد سن دختران و مادران دو گروه

مادران					دختران					
حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	حداکثر	حداقل	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	گروه



واقعیت درمانی	۷	۱۶,۰۵	۰,۷۷	۱۶,۰۱	۱۸,۰۱	۷	۴۱,۰۱	۶,۰۴	۳۳	۵۰
					۱۸,۰۲					
کنترل	۷	۱۶,۰۸	۰,۷۳	۱۶,۰۵		۷	۴۲,۰۲	۷,۶۰	۳۵	۵۵

همچنین وضعیت سن دختران و مادران بررسی گردید و مشخص شد در هر دو گروه مداخله و کنترل میانگین سنی دختران (۱۶/۰۵ و ۱۶/۰۸) و مادران (۴۱/۰۱ و ۴۲/۰۹) تفاوت معناداری ندارند (جدول ۱).

### جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان دو گروه واقعیت درمانی و کنترل در سبک‌های هویت

گروه	گروه واقعیت درمانی		گروه کنترل		کل	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
سبک اطلاعاتی	۴۱.۰۰	۵.۴۵	۳۸.۵۷	۵.۸۸	۳۹.۷۹	۵.۵۹
سبک هنجاری	۳۱.۱۴	۸.۴۹	۳۲.۸۶	۳.۸۵	۳۲.۰۰	۶.۴۰
سبک اجتنابی	۲۹.۴۳	۵.۴۷	۲۴.۸۶	۶.۵۷	۲۷.۱۴	۶.۲۷
مقیاس تعهد	۳۹.۴۳	۸.۷۷	۳۵.۷۵	۷.۴۱	۳۷.۵۰	۸.۰۶

میانگین و انحراف استاندارد هویت و سبک‌های آن در دو گروه بررسی و ملاحظه شد که تفاوت‌هایی در نمرات آزمودنی‌های دو گروه وجود دارد. میانگین گروه واقعیت درمانی در سبک‌های اطلاعاتی، اجتنابی و مقیاس تعهد بالاتر از گروه کنترل، و در سبک هنجاری پایین‌تر از گروه کنترل هست. باین حال معناداری یا عدم معناداری این تفاوت‌ها در این جدول مشخص نیست (جدول ۲).

### جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری جهت مقایسه‌ی عملکرد گروه‌های هیجان مدار و کنترل در هویت و سبک آن در آزمون هویت برونسکی

نام آزمون	مقدار	معناداری	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	F	اندازه اثر
اثر پیلائی	۱,۰۸	۰,۰۰۸	۸	۲۴	۳,۵۲	۰,۵۴
لامبدای ویلکز	۰,۱۸	۰,۰۰۶	۸	۲۲	۳,۷۶	۰,۵۸
اثر هتلینگ	۳,۳۶	۰,۰۰۶	۸	۲۰	۳,۹۵	۰,۶۱
ملاک بزرگ‌تری ریشه ری	۲,۶۰	۰,۰۰۲	۴	۱۲	۳,۸۱	۰,۷۲

داده‌های حاصل از اجرای آزمون هویت کوپر اسمیت بر روی دو گروه آزمون و کنترل بررسی و تجزیه و تحلیل بر روی یافته‌های گروه‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون صورت گرفت. قبل از تحلیل نتایج پیش‌فرض‌های اجرای تحلیل کوواریانس مورد ارزیابی قرار گرفت. جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنف و برای بررسی فرضیه همگنی واریانس‌ها آزمون لوین بکار گرفته شد که با توجه به  $p > 0,05$  در هر دو آزمون فرض‌های مربوطه رعایت شده است. فرض همگنی شیب رگرسیون نیز در همین سطح بزرگ‌تر از  $0,05$  می‌باشد. فرض مستقل بودن گروه‌ها نیز با توجه به جایگزینی تصادفی آزمودنی‌ها در دو گروه رعایت شده است.

نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیری میان گروه‌های واقعیت درمانی و کنترل نشان می‌دهد که در سبک‌های هویت برزونسکی اختلاف معناداری وجود دارد ( $F(18,110) = 0,18$  و  $\lambda = 0,06$ ،  $P < 0,006$ )،  $F(22,18) = 3,76$  (جدول ۳)

#### جدول ۴. نتایج آزمون‌های اثر بین آزمودنی‌های گروه‌های هیجان مدار و واقعیت درمانی و کنترل در نمره سبک‌های هویت آزمون هویت برزونسکی

متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	مجذورات	معناداری
گروه	سبک اطلاعاتی	۲	۳۷/۹۶	۵/۳۰	۰/۴۳	۰/۰۲
	سبک هنجاری	۲	۵۱/۴۴	۶/۶۷	۰/۴۹	۰/۰۰۹
	سبک اجتنابی	۲	۶۰/۳۸	۳/۲۳	۰/۳۲	۰/۰۷
	مقیاس تعهد	۲	۱۱۰/۸۱	۷/۸۳	۰/۵۳	۰/۰۰۵
خطا	سبک اطلاعاتی	۱۴	۷/۱۷			
	سبک هنجاری	۱۴	۱۷/۷۱			
	سبک اجتنابی	۱۴	۱۸/۶۸			
	مقیاس تعهد	۱۴	۱۴/۱۴			
کل	سبک اطلاعاتی	۲۱	۳۴۹۸۰/۰۰			
	سبک هنجاری	۲۱	۲۲۵۹۸۰/۰۰			
	سبک اجتنابی	۲۱	۱۶۳۹۶/۰۰			
	مقیاس تعهد	۲۱	۲۸۳۰۱/۰۰			

نتایج آزمون‌های اثر بین آزمودنی‌ها نشان داد در میان سبک‌های هویت در این پژوهش، در آزمون برزونسکی، در سبک اطلاعاتی ( $F(2,14) = 5,02$ ،  $\eta^2 = 0,43$ ،  $p < 0,02$ )، سبک هنجاری ( $F(2,14) = 6,67$ ،  $\eta^2 = 0,49$ ،  $p < 0,009$ ) و مقیاس تعهد ( $F(2,14) = 7,83$ ،  $\eta^2 = 0,53$ ،  $p < 0,005$ )

F(۲،۱۴) میان سه گروه تفاوت معناداری وجود داشت، اما در سبک اجتنابی ( $\eta^2 = 0/32$ )،  $p < 0/007$  و  $F(3/23) = 2/14$  تفاوت معناداری مشاهده نشد (جدول ۴).

#### جدول ۵. نتایج سطح معناداری بین سبک‌های هویت و مقیاس تعهد گروه‌های واقعیت درمانی و کنترل

سبک‌های گروه‌ها	سطح معناداری	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	حداقل	حداکثر
سبک اطلاعاتی	۰/۰۳	۳/۶۳	۱/۵۳	۰/۳۴	۶/۹۲
سبک هنجاری	۰/۲۵	۱/۹۰	۱/۵۹	-۱/۵۱	۵/۳۱
سبک اجتنابی	۰/۱۵	۳/۷۸	۲/۴۸	-۱/۵۲	۹/۰۹
مقیاس تعهد	۰/۰۰۹	۶/۵۸	۲/۱۵	۱/۹۷	۱۱/۲۰

با بررسی مقایسه‌ای گروه‌های درمان، با استفاده از مقایسه‌های چندگانه Bonferroni، مشخص گردید که در مقایسه دو گروه واقعیت درمانی و کنترل در سبک‌های اطلاعاتی ( $p = 0/03 < 0/05$ ) و مقیاس تعهد ( $p = 0/009 < 0/05$ ) تفاوت معناداری باشد؛ اما در سبک هنجاری ( $p = 0/25 > 0/05$ ) و سبک اجتنابی ( $p = 0/15 > 0/05$ ) بین دو گروه واقعیت درمانی و کنترل تفاوت معنادار نیست (جدول ۵).

#### بحث

یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد گروه واقعیت درمانی با سبک هویت اطلاعاتی رابطه‌ی مستقیم و معنادار دارد. نتایج این پژوهش با یافته Lotfabadi, Noor (2002)، Nouroozi (2001)، Mason, Gibbs (2003)، به نقل از Tabatabai (2009)، Adan و Felner (2001) هم سو می‌باشد. آنان در پژوهش خود رابطه‌ی مثبت و معناداری بین هویت اطلاعاتی و مسئولیت‌پذیری گزارش کردند. همچنین می‌توان به تحقیقات Dollinger (1995) و Duriez و همکاران (2004) مبنی بر اینکه افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی در مقایسه با افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی به‌طور معناداری از ویژگی‌های شخصیتی گشودگی به تجربه بیشتری برخوردارند اشاره نمود. نتایج پژوهش‌های Shaabani (2006)، Jarareh (2004)، Delavar, Sadripoosh (2001) نیز به علت

اشتراک در کاربست روش مشاوره‌ای واقعیت‌درمانی گروهی هم سو با پژوهش حاضر، کاهش مسائل و مشکلات مربوط به بحران هویت در نوجوانان و جوانان را گزارش می‌کنند.

در واقعیت‌درمانی، واژه‌های شخصیت و هویت تقریباً مترادف به حساب می‌آیند. واقعیت‌درمانی، هویت را جزء لازم و اساسی تمام انسان‌ها در همه فرهنگ‌ها می‌داند که از لحظه تولد تا مرگ ادامه می‌یابد و به دو نوع هویت توفیق و هویت شکست تقسیم می‌شود (Shafiabadi, 2006). هویت توفیق، در کسانی به وجود می‌آید که بتوانند نیاز به دوست داشته شدن را در محیط امن خانواده تجربه کنند. آنگاه قادر خواهند بود مسئولیت رفتارهای خود را به عهده بگیرند و با انتخاب مسئولانه اعمال و رفتار خود، هویتی موفق کسب کنند. مسئولیت‌پذیری یک تعهد و الزام درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب کلیه فعالیت‌ها می‌باشد که بر عهده فرد گذاشته می‌شود. افراد با هویت موفق آنچه را که سبک اطلاعاتی نامیده می‌شود مورد استفاده قرار می‌دهند (Berzonsky & Niemeyer, 1994). تعهد در افراد با سبک هویت اطلاعاتی به صورت تعهد شناختی و مبتنی بر جستجوگری است که بر اساس عقاید و باورهای منطقی شکل می‌گیرد. افراد با این سبک علاقه‌مند به یادگیری مطالب جدید درباره خود بوده و خواستار اصلاح ساختار هویتی در صورت مواجهه با اطلاعات و بازخوردهای ناهماهنگ می‌باشند (Berzonsky, 2003). به نظر می‌رسد که در گروه آزمایشی حاضر آموزه‌های واقعیت‌درمانی با تأکید بر مسئولیت‌پذیری به دانش‌آموزان کمک کرده است تا برای مشکلات زندگی برنامه‌ریزی‌های روشن‌تری داشته باشند و با کنار گذاشتن عذر و بهانه سبک هویت اطلاعاتی خود را ارتقاء دهند.

با توجه به نتایج آماری این پژوهش و مقایسه‌ی سبک‌های هویت، بین گروه‌های واقعیت‌درمانی و کنترل در سبک هویت هنجاری تفاوت معناداری مشاهده نشد. همسو با نتایج این پژوهش در خصوص سبک هویت هنجاری می‌توان به پژوهش Shokri و همکاران (2007) مبنی بر تفاوت بین افرادی که به جستجوی سؤالات هویتی می‌پردازند و کسانی که تنها به پذیرش هنجارها تن می‌دهند اشاره کرد. پژوهش حاضر با یافته Grotevant & Cooper (1985) هم سو می‌باشد. آنان به این نتیجه رسیدند که والدینی که مهار زیادی بر فرزندان خود اعمال می‌کنند باعث ظهور هویت زودرس در نوجوان می‌شوند و باعث می‌گردند تا نوجوان بیشتر از سبک پردازش هنجاری استفاده کند. آنان که سبک هویت هنجاری دارند، عمدتاً مفروضات ذهنی و ارزش‌های افراد مهم را پذیرفته و با انتظارات آن‌ها هم‌نوایی می‌کنند (2008, Berzonsky, 2004, 2003). تعهد در سبک هویت هنجاری بدون ارزیابی اطلاعات صورت می‌گیرد (Berzonsky, 2003). افراد با این سبک به جستجوی اطلاعات نمی‌پردازند و از طریق تقلید از مراجع

قدرت مهم، به تعهد می‌رسند (Dolinger, 2002) افراد دارای سبک هنجاری در مقایسه با سبک اطلاعاتی درون‌مایه هیجانی دارند که باعث تعهدات شناختی زودرس که مبتنی بر هیجان است، می‌شود. این افراد اهداف مشخصی در زندگی دارند، از بیرون کنترل می‌شوند و انعطاف‌پذیر نمی‌باشند (Kuk, 2005, Berzonsky). احتمالاً با توجه به ویژگی‌های سنی و جنسیتی گروه نمونه این پژوهش تأثیرپذیری از نرم‌ها و هنجارهای اجتماعی به‌قدری بوده است که آن‌ها نتوانسته‌اند به شیوه‌ای مستقل و اطلاعات محور هویت خود را تعریف کنند. می‌دانیم که در سنین دبیرستان به‌خصوص در بین دختران تقلید و تبعیت از جمع بسیار رایج است و این فرایند یکی از مهم‌ترین راه‌های کسب هویت برای دختران هست و از آنجاکه در پژوهش حاضر ارتباط‌های معمولی آزمودنی‌ها با همکلاسیان و سایر افراد مهم زندگی آن‌ها کنترل نشده است احتمالاً باعث خنثی شدن اثر گروه‌درمانی مبتنی بر روش گلاسر شده است.

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر گویای آن است که واقعیت‌درمانی گروهی تأثیری بر بهبود سبک هویت مغشوش - اجتنابی ندارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های Lotfabad, noori (2001)، Nouroozi (2001)، Adan, Felner (2001) هم‌سو هست. آنان در پژوهش خود رابطه‌ی منفی بین هویت اجتنابی و بهزیستی گزارش کردند. همچنین با یافته‌های Noori و همکاران (1997) به نقل از Shokri و همکاران (2007) و Berzonsky (2003) هم‌خوانی دارد. آنان در پژوهش خود دریافتند که جهت‌گیری اجتنابی با راهبرد تصمیم‌گیری غیر انطباقی و جهت‌دهی توسط دیگران و سوء‌مصرف مواد و الکل رابطه‌ی مثبتی دارد. افراد دارای سبک هویت سردرگم - اجتنابی فاقد مهارت‌های مناسب تفکر و تجزیه و تحلیل امور می‌باشند. آنان می‌کوشند تا حد امکان از مواجهه با موضوعات مرتبط با هویت اجتناب کنند توجه اندکی به آینده‌ی خود و پیامدهای طولانی‌مدت اعمالشان دارند و تصمیمات مبتنی بر هیجان می‌گیرند و هنگام تصمیم‌گیری، رفتار آنان توسط کنترل‌گرهای بیرونی هدایت می‌شود (Berzonsky, 2003, 2004, 2008). در نظریه انتخاب اعتقاد بر این است که ایجاد روابط درست با افراد و پذیرش حس مسئولیت مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های موردنظر افراد، می‌تواند از کنترل‌های بیرونی کاسته و به فرد کمک کند بر خود مسلط بوده و مسئولیت اعمال خود را بپذیرند (Glasser, 1998). این یافته کاملاً در راستای دیدگاه برزونسکی می‌باشد و نشان می‌دهد که افراد با سبک مغشوش - اجتنابی از مهارت‌های مناسب تفکر و تجزیه و تحلیل امور برخوردار نمی‌باشند. اساساً چون دستیابی به چنین سطحی از مهارت بسیار دشوار بوده و نیازمند آموزش و درمانی عمیق و تحلیل گراست، واقعیت‌درمانی نتوانسته است باعث تغییر در این نوع هویت گردد. رویکرد گلاسر اگرچه با وام‌گیری از نظریه‌هایی همچون وجود‌گرایی به

مفاهیم نظری خود تا حدودی عمق بخشیده است ولی در سطح عملی با توجه به غلبه رویکردهای رفتاری که بر سطح عینی و بیرونی وجود فرد متمرکز بوده و بر روی ریشه‌های اغتشاش در هویت کار نمی‌کنند نتوانسته است باعث تغییر معنادار و پایدار آن شوند.

یکی دیگر از نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر آن است که بین واقعیت درمانی گروهی و تعهد هویت رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد که حاکی از اثربخشی مداخله‌ی گروه واقعیت درمانی می‌باشد. نتایج این پژوهش با یافته Berzonsky (1990) به نقل از Shokri (2007) مبنی بر اینکه تعهد هویت با سبک‌های هویت رابطه دارد، هم‌خوان است. این پژوهش هم‌سو با یافته‌ی Goossens & Beyers (2008) می‌باشد مبنی بر این‌که شکل‌گیری هویت فرآیندی از تعاملات و ارتباطات بین شخصی و محیط بر اساس تأثیرات دوجانبه والدین-نوجوان می‌باشد. نتایج این پژوهش با یافته‌های Kania (2010) هم‌سو هست. وی در پژوهش خود به تأثیر واقعیت درمانی گروهی بر بحران هویت دانش‌آموزان پرداخت و نتیجه گرفت واقعیت درمانی به حل بحران هویت کمک می‌کند. پژوهش حاضر با یافته Ghashghaee (2011) مبنی بر "اثربخشی واقعیت درمانی گروهی بر هویت زنان سرپرست خانوار" هم‌سوست. Randall (2004) نیز در پژوهشی توانمندی روش واقعیت درمانی گروهی را به‌ویژه در درمان اختلالات رفتاری گروه سنی نوجوانان و جوانان در محیط‌ها آموزشی نشان دادند. هم‌سو با نتایج این پژوهش در خصوص مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی به‌منظور افزایش حس کنترل و عزت‌نفس و هویت موفق، می‌توان به پژوهش ترنر Turner (2009) اشاره کرد.

تعهد هویت با سبک پردازش هویت رابطه دارد، افراد با جهت‌گیری پردازش اطلاعاتی در مقایسه با سردرگم-اجتنابی تعهدات قوی‌تری نشان می‌دهد (Berzonsky, 1990). مطالعات نشان داده‌اند که قدرت تعهد با تصمیم‌گیری سنجیده و حساب‌شده و مقابله‌ی مسئله مدار رابطه‌ی مثبت و با اهمال‌کاری، دلیل تراشی، جهت‌گیری مبتنی بر دیگری، تمایل به تجربه وحشت قبل از تصمیم و کم‌رویی کلی رابطه‌ی منفی دارد (Berzonsky & Ferrari, 1996).

### نتیجه‌گیری

به‌طور کلی پژوهش حاضر حاکی از تأثیر کاربرد گروه‌درمانی مبتنی بر واقعیت درمانی بر بهبود وضعیت هویتی دختران نوجوان است. این اثربخشی البته عمدتاً متوجه جنبه‌های عقلی و واقع‌بینانه هویت

است؛ یعنی هویت اطلاعاتی و تعهد ولی جنبه‌های غیرمنطقی و هیجانی یا حسی هویت یعنی هویت هنجاری و مغشوش تأثیر معناداری از رویکرد واقعیت‌درمانی نمی‌پذیرند.

واقعیت‌درمانی گروهی به افراد کمک می‌کند تا از مشکلات قبلی خود آگاه شده و به بررسی رفتار خود بپردازند، نیازهای پنهان در پس رفتار خود را پیدا کنند و بتوانند دو نیاز اساسی و ذاتی خود یعنی نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن و نیاز به احساس ارزشمندی را ارضا کنند، نیاز به احساس دوست داشتن و دوست داشته شدن شامل تمام اشکال محبت، از دوستی تا عشق والدینی است. هرکسی نیازمند آن است که محبت را در طول زندگی احساس کند. دختران حاضر در پژوهش در کنار مادران خود و درمانگر (کسی آن‌ها را صادقانه دوست دارد) احساس دریافت محبت کرده‌اند که این عوامل همراه با سایر عوامل شفابخش گروه همچون ایجاد امید، عمومیت، انتقال اطلاعات، نوع دوستی، تخلیه روانی، همبستگی گروهی، رفتار تقلیدی، یادگیری هم‌نشینی و رشد مهارت‌های اجتماعی باعث بهبود هویت شده است.

## منابع

- احمدی، حسن؛ نبی‌جمال، شکوه السادات (۱۳۸۵). روانشناسی رشد، چاپ شانزدهم، انتشارات پردیس ۵۷.
- ابوحوزه، الهام؛ خوشابی، کنایون (۱۳۸۴). نظریه دل‌بستگی. تهران، انتشارات: دانژه.
- امانلو، ف. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه اثربخشی رویکرد واقعیت‌درمانی با رویکرد شناختی رفتاری به شیوه گروهی بر مبتلایان دیابت. رساله برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- آقاجانی حسین‌آبادی، محمدحسن (۱۳۸۱). هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک هویت برای دانشجویان دانشگاه‌های تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
- تقی زاده طبسی، افسانه (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی سخت‌رویی با شیوه‌های فرزندپروری دانشجویان سال اول دانشگاه الزهرا (س). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا (س).
- جراره، جمشید (۱۳۸۰). تأکید شیوه واقعیت‌درمانی گروهی بر کاهش بحران هویت نوجوانان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینی غفاری، ف، قنبری هاشم‌آبادی، ب، آقا محمدیان شعراف، ح. (۱۳۸۶). مقایسه اثربخشی روان‌درمانی گروهی مبتنی بر نظریه انتخاب و درمان انگیزشی نظام‌مند در افزایش رضایت زناشویی، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، ۹ (۲) ۶۵-۷۸.
- دلاور، علی، سورپوشان، نجمه (۱۳۸۳). بررسی اثربخشی آموزش واقعیت‌درمانی به شیوه گروهی بر مسئولیت‌پذیری و عزت‌نفس دانشجویان دختر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم حضرت فاطمه زهرا اهواز.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۹). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. انتشارات تهران، ص ۱۵۹ و ۱۵۸.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹). جوان و بحران هویت. انتشارات سروش.
- شفیع‌آبادی، عبدالله و ناصری، غلام‌رضا (۱۳۸۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شکری، امید؛ تاجیک، اسماعیل؛ دانش‌پور، زهره؛ غنایی، زیبا؛ دستجردی، رضا (۱۳۸۶). تفاوت‌های فردی در سبک‌های هویت و بهزیستی روان‌شناختی: نقش تعهد، تازه‌های علوم شناختی، ۹، ۳۳-۴۶.
- طباطبایی، نفیسه؛ طباطبایی، سید شهاب‌الدین؛ کاکایی، یزدان؛ محمدی آریا، علیرضا (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت و مسئولیت‌پذیری با پیشرفت تحصیلی نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی- ۱۱۲ (۴۴).
- غزایی، ب، عاطف وحید، م؛ دژکام، م؛ محمدیان، م (۱۳۸۲). وضعیت هویت نوجوانان تهران. جمله روان‌پزشکان ایرانی، ۱۱، ۱۶۴.
- غضنفری، احمد (۱۳۸۳). اعتباریابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G)، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، ۹۴-۸۱.



- فرح‌بخش، کک، شفیع‌آبادی، ع، احمدی، س، دلاور، ع. (۱۳۸۷) مقایسه میزان اثربخشی مشاوره‌ی زناشویی به شیوه شناختی‌الیس، واقعیت‌درمانی گلاسر و اختلاطی از آن دو در کاهش تعارض زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۵ (۱۸)، ۳۳-۵۸.
- فرزانه خو، مرجان؛ یارمحمدیان، احمد؛ مولوی، حسین (۱۳۸۸). تأثیر عملکرد کلی خانواده بر وضعیت هویت دانش‌آموزان. مجله علوم رفتاری، تابستان ۳ (۲)، ۱۴۲-۱۳۵.
- فارسی‌نژاد، معصومه (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های هویت و تعهد هویت با سلامت اجتماعی و خودکارآمدی تحصیلی دختران و پسران سال دوم دبیرستان شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه تهران.
- قندهاری، ژیلا، قنبری هاشم‌آبادی، بهرامعلی؛ عبدخدایی، محمد سعید (۱۳۹۱). بررسی تأثیر گروه‌درمانی معنوی-مذهبی بر نوع هویت‌یابی نوجوان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد. واحد بین‌الملل.
- کاکیا، ال. (۱۳۸۹). تأثیر مشاوره‌ی گروهی مبتنی بر واقعیت‌درمانی بر بحران هویت در دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی. اصول بهداشت روانی، بهار، ۱۲ (۴۵)، ۴۳۷-۴۳۰.
- قشقای، غلامحسین، شفیع‌آبادی، عبدا... (۱۳۹۰). اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی و فمینیستی بر هویت زنان سرپرست خانوار. مجله زن در توسعه و سیاست ۹ (۴). زمستان ۱۳۹۰.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، چاپ اول، تهران.
- لطف‌آبادی، حسین، نوری، ابوالقاسم (۱۳۸۱). بررسی ویژگی‌های هویت و مهارت‌های شغلی و پیشرفت تحصیلی نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۵ ساله مشهد و آمادگی آنان برای ورود به زندگی شغلی و بزرگسالی-موسسه کار و تأمین اجتماعی.
- مرادی، ا. و ثنایی، ب. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های حل مسئله بر تعارضات والد-فرزند، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، جلد ۵، شماره ۲۰.
- نوروزی، رضا (۱۳۸۰). رابطه‌ی باورهای فرا شناختی با پیشرفت تحصیلی و سلامت روان و مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان. مجله‌ی روانشناسی و علوم تربیتی، ویژه فلسفه تعلیم و تربیت سال ۳۱. شماره‌ی ۴.
- یوسفیان، نعمت ا... (۱۳۸۴). عوامل و راه‌های هویت بخشی به جوانان نشریه مریبان. (۱۸). زمستان ۸۴.
- Yoosefian, N.(2005). Factors & Ways of identity giving to young people, journal of trainers,84(18).
- Adan;A.M;Felner;R.D.(2001). The school translational environment project:an ecological intervention and evaluation. 14 ounces of prevention: a case- book for practitioner: pp :111-122 : Washington DC: American psychological Association
- Armsden, G. C. & Green berg, M. T. (1987). The inventory of parent and peer attachment: Individual differences and their relation ship to psychological well-being in adolescence. Journal of Youth and Adolescence , 16, 427-454.
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity Style and well- being: Does commitment matter? Identity: An Intemational Journal of theory and Research, 3(2), 131-142.

- Berzonsky, M. D. (2004). "Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumptions: A social cognitive perspective". *European Journal of Developmental Psychology*, 1, 303-315.
- Berzonsky, M. D. (2008). " Identity formation: The role of identity processing style and cognitive processes". *Personality and Individual Differences*, 44, 643-653.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L. (2005). Identity style, psychological maturity and academic performance, personality and individual difference. *European Journal of Personality*, 39(1), 235-247
- Berzonsky , M.D.& Ferrari,J.R.(1996) Identity Orientation and decisional strategies *Personality and Individual Differences*, 20 , 597-606
- Berzonsky, M. D. (1993). A Constructivist View of identity development: People as Post-Positivist self theorists In J. Kroger (Ed). *Biscussion on ego identity*, Hillsdale, NJ: Laurence Erlbaum Associates
- Berzonsky, M; & Niemeyer, G. (1994). Ego identity Status and identity Processing Orientation: the moderating role of Commitment, *Journal of Research in Personality*, 28, 4, 425-435.
- Beyers W, Goossens L. Dynamics of perceived parenting and identity formation in late adolescence. *Journal of Adolescence*. 2008; 31: 165-186.
- Bruke, M. U. (2005). Familial influence on self-efficacy: Exploring the relation ship between Perceived Parenting Style, Current Social Support, and self-efficacy beliefs in a sample of non-traditional college Students
- Corey, G(1990) *Theory and practice of group counseling*. Pacific Grove, ca: Brooks
- Dolinger , S. M. & Dolinger , r. j. (2002). Developmental View to ward identity for mation. *Journal of Personality* , 143, 421-424
- Dollinger, S. M. C. (1995). Identity styles and the five-factor model of personality. *Journal of Research in Personality*, 29, 475-479.
- Duriez, B., Soenens, B., & Beyers, W. (2004). Personality, Identity Styles, and Religiosity: An Integrative Study Among Late Adolescents in Flanders (Belgium). *Journal of Personality* 72:5, Pages: 877-908
- Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and Crisis*. New York: W. W. Norton & Company.
- Frank, S. J; Pirsch, L. A; & wright, V. C. (1990). Late adolescents, Perceptions of their relations hips with their Parents: Relationsh among deidealization, autonomy, relatedness, and insecurity and implication for adoles cent adjustment and ego identity Status. *Journal of Youth and Adolescence*, 19, 571-588
- Glasser, W. (2011). *Counseling with Choice Theory: The New Reality Therapy*, New York: HarperCollins
- Glasser, W. (1998). *Choice theory: A New Psychology of Personal Freedom*. New Tork; Harpercollins.
- Glasser, W. (1996). *choice theory: a new psychology of personal freedom*. New York. HarperCollins
- Grotevant , H.D ; & Cooper, C.R.(1985). Patterns of interaction in family relation ships and the development of identity exploration. *Child Development*, 59, 415-420.
- Harris, Ph. G. (2006). Patterns of absolute, differential and structural continuity in perceptions of nurturance in mother – daughter, mother-son, father – daughter and father-son dyads. Doctoral dissertation, Iowa state university.

- Kennwdy JH. Romantic attachment style and family of origin in first year college student. [cited 1999]. From: URL; <http://www.findarticle.com>
- Kroger, J. (2000). Identity development: Adolescent through adulthood. *Journal of Person*, 31
- Lybomirsky, S. (2007). Happiness may Lead to Success via Positive emotions.
- Luyckx, K; Schwart2, S. J; Berzonsky, M. D; Soenen, B; Vansteenkiste, M; & Goossens, L. (2008) Capturing ruminative exploration: Extending the Four-Dimensional Model of Identity Formation in late adolescence. *Journal of Research in Personality*, 42, (1), 58-82.
- Randall K. The theories of William Glasser [cited 2004]. Available From: <http://www.Kevinrandell.Com/docs/sci-port/EDU4112-Glasser-essay.Doc>
- Schwartz SJ. The evolution of Ericsonian and neo Ericsonian identity theory and research; A review and integration. *International Journal of theory & Research* 2001;1:7-58.
- Turner, D. (2009) Rehabilitation reach Study Findings From Yonsei university Provide new insight in to rehabilitation research, *Drugweek*, Atlanta. P 1082.
- Waterman, A. S (1982) Identity development from adolescence to adulthood: An extension of identity formation. *Psych Rep* 90(3pt 1): 85-771.
- Ahadi, H. Banijamali, SH. (2006). *Developmental Psychology*, 16<sup>th</sup> edition, Paradise Press.
- Aboohamzeh, E. Khooshabi, K. (2005). *Attachment Theory*, Danzheh Press.
- Amanloo, F. (2008). Effectiveness comparison between reality therapy & Cognitive behavioral group therapy for diabetic patients, M.A Dissertation, Ferdowsi university of mashhad.
- Aghajani Hosseinabadi, M. (2002). Primary Normalization for identity style questionnaire on Tehran universities students, M.A Dissertation,
- Taghizadeh Tabasi, A. (2006). Relation Comparison between Hardness & Child training styles of Azzahra University Students, M.A Dissertation. Azzahra University.
- Jarareh, J. (2001). The Emphasis of group reality therapy on decreasing of adolescents identity crisis, M.A Dissertation, Allameh Tabatabai University.
- Hosseini Ghaffari, F. Ghanbari Hashemabadi, B. Aghamahamadian Shaarbaf, H. (2007). Effectiveness Comparison between Choice Theory & Systematic Motivational group therapy on Marital Satisfaction, *Journal of Educational & Psychology Studies*, 9(2) 65-78.
- Delavar, A. Soorpooshan, N. (2004). Effectiveness of group Reality Therapy training on girl students responsibility & self-esteem, M.A Dissertation, Ahwaz university.
- Saatchi, M. (2000). *Counseling & Psychotherapy Theories*, Tehran Press, p: 158-159.
- Sharafi, M. (2000). *Young & Identity crisis*, Soroush Press.
- Shafiabadi, A. Naseri, GH. (2001) *Counseling & Psychotherapy Theories*, Tehran, University Press Center.
- Shokri, O. Tajik, I. Daneshpoor, Z. Ghanaee, Z. Dastgherdi, R. (2007). Individual Differences on identity styles & Psychological Welfare: Commitment Role, *Modern cognitive Sciences*, 9, 33-46.
- Tabatabai, N. Tabatabai, SH. Kakai, Y. Mohammadi aria, A. (2009). Relation between identity styles & responsibility with academic performance, *Journal of social welfare*, 12(44).
- Gharaee, B. Atefvahid, M. Dezhkam, M. Mohammadian, M. (2003). Identity status of Tehran adolescents.

- Ghazanfari, A.(2004). Validation & Normalization of identity style questionnaire(ESI-6G), Journal of educational & Psychology Studies,8, 81-94.
- Farahbakhsh,K. Shafiabadi, A. Ahmadi, S. Delavar, A.(2008). Effectiveness comparison of Ellis cognitive marital counseling, glasser reality therapy in marital conflict decreasing, Journal of counseling research & developments. 5(18) 33-58.
- Farzanehkho, M. Yarmohammadian, A. Moulavi, H.(2009).The effect of general function of family on identity statous of students, journal of behavioural sciences, 3(2) 135-142.
- Farsinejad, M.(2004). Relation between identity styles & identity commitment with social health & academic self-efficacy,M.A Dissertation, Tehran university.
- Ghandehari, ZH. Ghanbarihashemabadi, B. Abdekhodai, M.(2012). Effectiveness of spiritual-religious group therapy on adolescents identity seeking, M.A Dessertation, Ferdowsi university.
- Kakia, L.(2010). Effect of group reality therapy on students identity crisis, Journal of fundamentals of Mental Health ,12 (45) 430-437.
- Ghashghaee, GH. Shafiabadi, A. (2011). Effectiveness of group reality therapy & feminist therapy on women identity, Journal of women in development & politics, 9(4).
- Jenkins, R.(2002). Social identity, translate by yarahmadi,first edition, Tehran.
- Lotfabadi, H. Noori, A.(2002).Identity characteristics & job skills & academic performance.
- Moradi, A. Sanai, B.(2006).Effectiveness of problem solving skills training on parent-child conflicts, counseling research & developments,5(20).
- Nouroozi, R.(2001).Relation between meta-cognitive believes & mental health & responsibility among students, Journal of Psychology & Educational Sciences,31(4).